



نسخه‌ای نویافته از رسائل بابا افضل کاشانی در یزد

محمد رضا ابوتی مهریزی
وحید ذوالفقاری

چکیده:

تاکنون چهار نسخه کهن از رسائل بابا افضل کاشانی از سده هفتم هجری می‌شناختیم. اینک نسخه دیگری از سده مزبور مورخ سنه 676 هجری به دست آمده که متعلق به مجموعه شخصی وحید ذوالفقاری در شهر یزد است. این نسخه مشتمل بر ترجمه *ینبوع الحیاء*، متن عربی رساله *تفاحه* و ترجمه فارسی آن است که در این مقاله تلاش شده ضمن معرفی نسخه مزبور به بیان جنبه‌ها و ویژگی‌های نسخه‌شناختی آن پرداخته شود.

دسترسی به نسخه کهن دیگری از دو رساله فارسی مزبور به‌خصوص در مورد رساله *ینبوع الحیاء* با توجه به اختلافاتش علاوه بر نسخه‌های نور عثمانیه و مهدی بیانی تحریر نسبتاً متفاوت دیگری از ترجمه این رساله به دست می‌دهد و نیز اطلاعات ادبی و تاریخی پراکنده‌ای که از قبل یادداشت‌ها و حواشی مالکین نسخه از عصر مغول تا دوره صفوی به دست می‌آید، از جمله دریافت‌های قابل توجه مطالعه و بررسی این نسخه است.

کلیدواژه‌ها:

بابا افضل کاشانی، *ینبوع الحیاء*، رساله *تفاحه*، محمد ابن یوسف ابن علی نوش آبادی، یزد.

* استادیار و مدرس دانشگاه پیام نور مرکز تهران / abuimehrizi@yahoo.com

** دکترای پزشکی و مجموعه‌دار شخصی در یزد (مالک نسخه) // vahid.zolfaghari@yahoo.com

درآمد

مقاله‌ای که پیش روی خوانندگان گرامی قرار دارد، توصیف نسخه‌ای از رسائل افضل‌الدین محمد مرقی کاشانی، حکیم و عارف بزرگ سده ششم و اوایل سده هفتم هجری است که مشتمل بر دو ترجمه مشهور وی از رساله *نبوع الحیاة* منسوب به هرمس یا ادریس نبی و *تفاحه* منسوب به ارسطو همراه با متن عربی *تفاحه* می‌باشد. نسخه مزبور متعلق به مجموعه شخصی وحید ذوالفقاری در شهر یزد است.¹ این نسخه مورخ سال 676 هجری قمری از جمله نسخ نزدیک به روزگار حیات بابا افضل است.

پیش از این، از وجود چهار نسخه کهن از سده هفتم هجری که دربردارنده مصنفاتی از بابا افضل کاشانی بوده‌اند، آگاه بودیم:

1. نسخه کتابخانه ملی ایران به شماره 2412 که شامل مجموعه‌ای از بیست رساله حکمی و فلسفی از حکیمان مختلف اعم از ابوعلی سینا، شیخ ابوالبرکات بغدادی، بابا افضل کاشی، شیخ شهاب‌الدین سهروردی، احمد غزالی، عین‌القضات همدانی، خیام و برهان‌الدین نسفی می‌باشد. نسخه مزبور، کتابت محمد ابن علی دامغانی جاجرمی در تاریخ 659 هجری است و سومین جزء آن در صفحه‌های 32 تا 42 مربوط به فقرات کوتاهی از *مصنّفات* بابا افضل است. این نسخه را باید قدیم‌ترین نسخه موجود از آثار او تلقی کرد. جزء مذکور که شش رساله کوچک را در بر می‌گیرد، در شش فقره نخست فصل سیزدهم از چاپ *مصنّفات* افضل‌الدین کاشانی توسط مجتبی مینوی و یحیی مهدوی، اساس کار قرار گرفته است. (*مصنّفات*، ص 611-623)

از دیگر وجوه نسخه کتابخانه ملی، اشتغال آن بر کهن‌ترین دست‌نگاشته‌های تصنیفات شیخ اشراق مانند *عقل سرخ*، *لغت موران*، *آواز پر جبرئیل* و *رساله فی اعتقاد الحکماء* است، و اهمیت آن تاکنون توجه جمعی از محققان را به خود جلب کرده است؛ چنان‌که محمدتقی دانش‌پژوه به طور مشروح، در جلد چهاردهم فرهنگ *ایران* زمین در باب نسخه و رسائل آن تحت عنوان مجموعه

رسائل فلسفی سخن گفته است. (مجموعه رسائل فلسفی، ص 297-306) همچنین تصویر برخی اجزای این نسخه همراه با متن حروفچین آن مانند رساله فی اعتقاد الحكماء (ص 49-61) و عقل سرخ (ص 1-17) منتشر شده است.

2. نسخه کتابخانه نور عثمانیه استانبول، مورخ 674 هجری قمری به شماره 4931 در میان نسخه‌های کهن مصنفات بابا افضل از حیث اشتغال بر عمده تصنیفات او از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این نسخه که در تصحیح و انتشار مصنفات بابا افضل توسط مجتبی مینوی و یحیی مهدوی به عنوان نسخه اساس مورد نظر قرار گرفته، در مجموع دربردارنده یازده رساله است. چهار رساله نخست که عربی‌اند، عبارت‌اند از: رساله العلم و النطق، رساله ینبوع الحیاة، رساله مدارج الکمال و رساله تفاحه. سپس هفت رساله فارسی به این ترتیب قرار دارند: مدارج الکمال و یافتوح هشت در، ره‌انجام‌نامه، ساز و پیرایه شاهان پرمایه، ترجمه رساله تفاحه، عرض‌نامه، جاودان‌نامه و در پایان، ترجمه رساله ینبوع الحیاة. نسخه مزبور علاوه بر این رسائل، حاوی اجزای دیگری مندرج در چاپ مصنفات مانند برخی تقریرات و فصول مقطعه، مکاتیب و اشعار بابا افضل می‌باشد. (مصنفات، ص 624-626، 681-706 و 731-748)

سه رساله فارسی ره‌انجام‌نامه، تفاحه و جاودان‌نامه این نسخه دارای تاریخ 674 هستند و دو رساله اخیر به ترتیب، حاوی اسامی «رفیع کاشی» و «الحسن ابن علی ابن امیره» به عنوان کاتب در انجامه خود هستند. با این وصف، کتابت نسخه مزبور کار یک شخص واحد نیست. اما آنچه در این میان حائز اهمیت است، استنساخ ترجمه رساله تفاحه به دست رفیع کاشی است که مجتبی مینوی و یحیی مهدوی، تصویر انجامه آن را در مقدمه چاپ خود از مصنفات افضل‌الدین کاشانی درج ساخته‌اند، زیرا کتابت رساله توسط کاتبی متعلق به اقلیم جغرافیایی و فرهنگی که اصل اثر در آن پرورده شده، آن هم در تاریخی نزدیک به انجام تصنیف، می‌تواند از امتیازات آن باشد.

از دیگر نکاتی که در انجامه‌های نسخه نور عثمانیه شایان توجه است، گونه

نسخه‌ای نویافته
از بابا افضل
کاشانی در یزد

عبارت‌پردازی آن‌هاست که به خصوص در انجامه رساله جاودان‌نامه، یادآور اهتمام خاص بابا افضل به نثر فارسی سره است و این نکته را به ذهن متبادر می‌سازد که ظاهراً کاتبان مزبور تحت تأثیر مشرب فکری و ذوق ادبی و نویسندگی بابا افضل بوده‌اند، چنان‌که حسن ابن علی ابن امیره در انجام استنساخ خود از جاودان‌نامه چنین می‌نویسد:

«تمام شد جاودان‌نامه به پیروزی و فرّخی، و سپاس نگارنده تن و دارنده جان را به حکمت بلند و قدرت بی‌چون و چند، و درود بر پیغمبر ما فرستاده به راستی و انگیخته به درستی، محمد مصطفی و بر یاران و پیروانش و از نوشتن این نامه پرداخته شد، نویسنده آن الحسن ابن علی ابن امیره در اوایل شوال، سنه اربع و سبعین و ستمائة هجرية نبوية، قوبل و بالله التوفيق.» (همان، ص 322)

3. نسخه مهدی بیانی، مورخ 679 هجری قمری، از دیگر نسخ کهنه آثار بابا افضل است که تاکنون از آن آگاه بوده‌ایم. این نسخه که اکنون از سرنوشت آن اطلاعی در دست نیست و متن فارسی *ینبوع الحیة* جزء عمده آن بوده، از جمله نسخه‌های مورد استفاده مجتبی مینوی و یحیی مهدوی بوده است. ایشان نسخه مزبور را نسخه معتبر قدیمی برشمرده‌اند که هر چند با نسخه اصل ایشان (نسخه نور عثمانیه) بیش از پنج سال تفاوت نداشته، با آن در مورد ترجمه *ینبوع الحیة* بسیار متفاوت بوده است، چنان‌که گویی بابا افضل دوبار نسبت به این مهم پرداخته و هر یک از دو نسخه، تحریر جداگانه‌ای داشته است.² (همان، ص بیست و هفت مقدمه مصححان)

در هر حال آن دو دانشمند فقید، اختلافات نسخه مزبور را با نسخه اصل خویش بیان کرده‌اند. نسخه مهدی بیانی آن‌چنان که از چاپ *مصنّفات* برمی‌آید، علاوه بر متن ترجمه *ینبوع الحیة* شامل ترجمه رساله کوچک *مختصر فی النفس* ارسطو بوده که در چاپ *مصنّفات* نقل شده و با روایت عربی آن منسوب به ابن سینا مقابله شده است. (همان، ص 461-466) انجامه رساله اخیر، بیانگر آن است که نسخه مهدی بیانی در اواخر ذی‌الحجه سال 679 هجری توسط محمود ابن علی ابن ابی‌علی عبدالله کتابت شده است. (همان، ص 466)

4. دیگر نسخه‌ای که از تصانیف بابا افضل از سده هفتم هجری می‌شناسیم، نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره 4013 است. این نسخه، مجموعه‌ای از رسائل حکمی و فلسفی از نویسندگان مختلف بوده و کتابت آن‌ها نیز مربوط به دوره‌های تاریخی گوناگون است که در کنار یکدیگر صحافی و جلد شده‌اند. شماری از اجزای این نسخه از رسائل و منشآت بابا افضل هستند که هر چند فاقد تاریخ‌اند، به فراخور دیگر اجزای نسخه، تاریخ استنساخ آن‌ها به اختلاف به سده‌های هفتم، هشتم، دوازدهم و سیزدهم هجری منسوب شده است. در میان اجزایی از این نسخه که از سده هفتم تلقی شده‌اند، می‌توان به «در بیان حال نفس دراک بعد از مرگ» و رساله/یمنی *از بطلان نفس در پناه خرد* اشاره کرد. (فهرست نسخه‌های خطی مجلس شورای ملی، 11/13-22)

بنابراین نسخه حاضر در میان پنج نسخه کهن شناخته شده از آثار بابا افضل پس از نسخه‌های کتابخانه ملی ایران و کتابخانه نور عثمانیه استانبول از حیث تاریخ کتابت، سومین نسخه می‌باشد، آن هم تنها با فاصله دو سال نسبت به نسخه اخیر در استانبول؛ لیکن با توجه به پاره‌ای از ابهامات در احوال افضل‌الدین کاشانی و برخی جنبه‌های تاریخی حیات او چون هویت مخاطبان مکاتیب وی که از لحاظ سنجش فاصله زمانی نسخه‌های کهن فوق از جمله نسخه یزد با روزگار حیات مصنف حائز اهمیت است، نخست به اختصار به تبیین این مسائل می‌پردازیم.

الف. احوال افضل‌الدین کاشانی

هرچند ستاره شخصیت بابا افضل در آسمان حکمت و ادب ایران و اسلام شهرت فراوانی دارد، تاریخ ولادت و درگذشت او معلوم نیست. با وجود این، اهمیت اندیشه و آثار حکمی وی و شخصیت تأثیرگذار او موجب شده داستان‌های مجعول به وی منسوب شود که همین بر ابهام در تاریخ دقیق روزگار حیات وی بیش از پیش دامن زده است، چنان‌که خواجه نصیرالدین طوسی را

نسخه‌ای نویافته
از بابا افضل
کاشانی در یزد

خواهرزاده او پنداشته‌اند که با وی مصاحبت داشته (تاریخ کاشان، ص 440) و به ملاحظه بابا افضل، مغولان را در عهد هولاکوخان از تعرض به کاشان بازداشته است و نیز گفته شده برخی دیگر از علمای آن عهد چون شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی به فیض صحبت او رسیده‌اند. (آتشکده آذر، نیمه دوم، ص 24)

به هر حال، روزگار او را به عهد مغول کشانده‌اند. این در حالی است که مؤلفی گمنام ظاهراً در سده هشتم هجری در رساله مختصر فی ذکر الحکماء الیونانیین و الملیین، در شرح حالی کوتاه از افضل‌الدین کاشانی، تاریخ درگذشت او را حدود سال 610 هجری می‌نویسد. (322/7 - 323)

خواجه نصیرالدین طوسی نیز در یکی از رسالاتش موسوم به رساله در سیر و سلوک که آن را در اواسط سده هفتم هجری نگاشته، ضمن اشاره به استاد ریاضی خود در دوران کودکی به نام کمال‌الدین محمد حاسب که از شاگردان بابا افضل بوده، از او با قید «رحمه الله» یاد می‌کند. (دانشنامه جهان اسلام، 22/1)

گذشته از این، قراین تاریخی و ادبی چندی در دست است که نشان می‌دهد اشعار بابا افضل در اوایل سده هفتم هجری در میان مردم شهرت داشته و این البته مستلزم آن بوده است که دیرزمانی از حیات بابا افضل، تدوین آثار و اشعار او و رواج آن‌ها در افواه عموم سپری شده باشد، چنان‌که بشقابی زرین‌فام مورخ 604 هجری به سبک کاشان از نقایس موزه ویکتوریا و آلبرت مزین به یک رباعی از بابا افضل به قرار ذیل است:

ای دل ز طرب هیچ نشان می‌بینی وز دیده به جز گهر فشان می‌بینی
در آرزوی دمی خوشم تا که زیم مردم همه این‌اند که توشان می‌بینی³

(سفالینه‌های زرین‌فام و نقاشی شده زیر لعاب، ص 38)

رباعی مزبور با اندک اختلافاتی در رباعیات بابا افضل دیده می‌شود.

(ص 174) همچنین تصویر رنگی این بشقاب زیبا و نفیس در کتاب سفال زرین‌فام ایرانی نوشته آلیور واتسون موجود است. (تصویر رنگی شماره 5 در انتهای کتاب)

قابل توجه است که قدح نفیس دیگری به سبک کاشان در موزه بروکلین وجود دارد که آن نیز ابیاتی از افضل‌الدین کاشانی را بر خود دارد. www.brooklynmuseum.org/opencollection/objects/125958/Bowl-of-Reflections در میان مندرجات کف بشقاب تاریخ جمادی الاخر سال 600 هجری دیده می‌شود.

شمس‌الدین محمد ابن قیس رازی در *المعجم فی معاییر اشعار العجم* از مشاهده بیتی بر دیوار سرایی در شهر مرو در حدود سال 607 هجری با ردیف «گیر آخر چه» به مضمون ذیل سخن می‌راند:

«دنیا به مراد رانده گیر آخر چه صد نامه عمر خوانده گیر آخر چه»
(ص 391 و 392)

هر چند این بیت که بیتی از یک رباعی بابا افضل است، به خیام نیز منسوب شده، در دیوان رباعیات بابا افضل موجود است. (رباعیات بابا افضل، ص 168)

شمس قیس رازی حول محور بیت فوق، حکایت دوستی و همسفری خود با فقیهی بخاری را بیان می‌کند که اصرار بر شعر گفتن داشته و بسیار بد شعر می‌گفته و از قضا در مواجهه با بیت فوق «آخر چه» را «آخرجه» خوانده و به تبیین مفهوم بیت و اصلاح آن با همان ردیف «آخرجه» پرداخته که مایه خنده حاضران گردیده است.

همچنین بهاء‌الدین محمد حسن ابن اسفندیار کاتب در سال 613 هجری در *تاریخ طبرستان* بدون ذکر نامی از بابا افضل، رباعی زیر را در خلال ترجمه سخن ابن مقفع گنجانده است که البته بیت نخست آن با آنچه در رباعی 81 از چاپ *مصنعات بابا افضل* است، اختلاف دارد:

«گر عمر تو باشد به جهان تا سیصد افسانه شمر زیستن بی مر خود
باری چو فسانه می‌شوی ای بخرد افسانه نیک شو نه افسانه بد»
(تاریخ طبرستان، ص 13)

در نامه‌ای که بابا افضل خطاب به مجدالدین محمد ابن عبیدالله نوشته، به

شصت سالگی خود اشاره کرده است. (مصنّفات، ص 698) بنابراین با توجه به اینکه دوره حیات بابا افضل نباید از اوایل سده هفتم هجری فراتر رفته باشد، ولادت او ظاهراً در ظرف نیمه اول سده ششم هجری صورت پذیرفته است. با این تفصیل، وی نه از رجال عهد مغول بلکه از مشاهیر عهد سلجوقی و خوارزمشاهی است.

مخاطبان نامه‌های بابا افضل ظاهراً همگی از بزرگان کاشان و یا مریدان اویند. البته این مسئله با توجه به وارستگی و گوشه‌گیری وی در زادگاهش، روستای مرق کاشان که از عوامل عمده ابهام در ابعاد زندگانی اوست، قابل درک است. از جمله مخاطبان مکاتیب بابا افضل که در فوق نیز به آن اشاره شد، مجدالدین محمد ابن عبیدالله است. در این نامه که دومین نامه از منشآت بابا افضل مندرج در چاپ مصنّفات اوست، قرینه‌ای که بتوان با توسل بدان، هویت مخاطب نامه را با اطمینان مشخص کرد، در دست نیست، اما با توجه به عناوینی چون تاج الوزرای و صدرالصدوری که بابا افضل در خطاب به او به کار برده، روشن است که در سلک دیوانیان بوده است.

سعید نفیسی در مقدمه‌ای که بر رباعیات بابا افضل نوشته، او را مجدالدین تبریزی از رجال دیوانی عهد مغول قلمداد کرده است که در محرم سال 661 هجری همراه با سیف‌الدین خوارزمی بیتکچی وزیر هلاکو به قتل رسیده است. (ر.ک: رباعیات، ص 11)

این استنباط از آنجا ناشی شده که سعید نفیسی، تاریخ درگذشت بابا افضل را در حدود سال 654 و یا 664 هجری برآورد کرده است. (همان، ص 32) حال آنکه با توجه به قراین و شواهد موجود بابا افضل، ظرف نخستین سال‌های سده هفتم و پیش از آغاز عصر مغول در گذشته است.

بنابراین مجدالدین محمد ابن عبیدالله را باید در میان دیوانیان عهد سلجوقی یا خوارزمشاهی جست‌وجو کرد، لیکن در میان رجال دیوانی آن دوران در منابع موجود، چنین اسمی ملاحظه نمی‌شود. پس می‌توان حدس زد که احتمالاً شخص

اخیر از دودمان وزیر مشهور سلطان سنجر سلجوقی، معین‌الدین ابونصر کاشانی، معروف به مختص الملوک (مقتول در 521 ق) است. فرزند وی، فخرالدین ابوطاهر کاشی، وزیر سلطان ارسلان سلجوقی، و نواده هم‌نامش، معین‌الدین، فرزند فخرالدین ابوطاهر، وزیر آخرین سلطان سلجوقی عراق، سلطان طغرل سوم، نیز طی سه نسل به وزارت سلاجقه رسیدند.

برادر معین‌الدین مختص الملوک، به نام مجدالدین عبیدالله (متوفی 535 ق) نیز از بزرگان عهد بود که عمارت بقعه امامزاده علی ابن محمد باقر (ع) در مشهد اردهال به فرمان او صورت گرفته است. خود نیز در همان‌جا مدفون گشته است. (کتاب النقص، ص 170) ناصرالدین منشی کرمانی در *نسائم الاسحار من لطائم الاخبار*، در اوایل سده هشتم هجری ذیل احوال معین‌الدین وزیر فرزندزاده معین‌الدین مختص الملوک کاشانی می‌نویسد: «او را دو پسر بود، معین‌الدین مسعود و صدرالدین مظفر که بعد از برادر به لقب معین مشهور گشت. از وی دختری ماند مسمی به شرف خاتون در حباله مجدالدین محمد ابن مجدالدین عبدالله ابن شهاب‌الدین عبدالله ابن الوزير شهید معین‌الدین ابونصر احمد، و این اکابر که اکنون در کاشان‌اند، از ذریات وزیر معین‌الدین‌اند از اسباط مجدالدین محمد مذکور و شرف خاتون.» (ص 69)

با این وصف حال، با شخص مجدالدین محمد ابن مجدالدین عبدالله از نوادگان مختص الملوک کاشانی مواجه هستیم که با توجه به تاریخ قتل او در سال 521 هجری به دست اسماعیلیان، دوره حیات نواده مزبور ظاهراً ظرف نیمه دوم سده ششم و اوایل سده هفتم رقم خورده است که از این حیث می‌تواند از معاصران بابا افضل بوده باشد. اگر فرض رابطه میان بابا افضل و خاندان مذکور صحیح باشد، می‌توان حدس زد که مجدالدین محمد ابن عبیدالله مخاطب بابا افضل همین مجدالدین محمد ابن مجدالدین عبدالله است که احتمالاً در اثر سهو کاتبان در *نسائم الاسحار*، نام عبیدالله به عبدالله تغییر یافته است، اما هیچ اطمینانی در آن نیست، زیرا از قبل منابع موجود، گزارشی دال بر وزارت و اهل دیوان بودن این شخص در دست نیست.

نسخه‌ای نویافته
از بابا افضل
کاشانی در یزد

بحث پیرامون احوال بابا افضل را با موضوع مذهب او به پایان می‌بریم. هر چند در برخی آثار بابا افضل مانند جامع الحکمة که درباره تأویل فلسفی و عرفانی «بسمله» نوشته شده، نشانه‌هایی از تعالیم باطنی اسماعیلی مشابه افکار ناصر خسرو مشاهده می‌شود، و کمال‌الدین حاسب از شاگردان او، ظاهراً باطنی مذهب بوده است (دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، 736/10) خود، هیچ تصریحی نسبت به پیروی از مذهب اسماعیلی ندارد. شایان توجه است که عبدالجلیل قزوینی رازی، نویسنده شیعی سده ششم در کتاب *التقصص* می‌نگارد: «بر همه الموت تجربه کرده‌اند شخصی قمی و کاشی هرگز نبوده و اگر بودی پوشیده نماندی.» (کتاب النقص، ص 96)

بابا افضل خود در *جاودان‌نامه* در مقام یک حکیم، ضمن اذعان به آنکه «اختلاف مذاهب و ادیان را در جهان مردم کناره‌ای نیست» (مصتفات، ص 262) پیدایش نحله‌های فکری و مذاهب مختلف را ناشی از اختلافات زبانی دانسته و گفته است: «پس چون ما آن چیزها را که به نام‌های مختلف از خود گم کرده‌اند، باز پیش نظر جویندگان آوریم، همه را یکسان باید دید.» (همان، ص 263)

ب. خصوصیات نسخه یزد

این نسخه در قطع جیبی بزرگ در ابعاد (برگ $17 \times 12/5$) و (سطر $11/5 \times 8$) است. دو رساله فارسی نسخه یعنی ترجمه *ینبوع الحیة* و رساله *تفاحه* در هر صفحه حاوی 14 سطر و رساله میانی که متن عربی رساله *تفاحه* است، در هر صفحه خود دارای 16 سطر می‌باشد. نسخه شامل 77 برگ و به عبارتی 154 صفحه است. جلد آن، مقوایی صورتی رنگ است که البته روی راست آن موجود نیست و قسمتی از جلد و کناره‌های آن در گذر زمان از بین رفته است. نسخه به خط نسخ جلی کتابت شده است. عناوین فصول رساله نخست یعنی *ینبوع الحیة* به شنجرف است. نیز بر سر برخی واژه‌ها، نشانه‌های شنجرف مشاهده می‌شود که عمدتاً مربوط به اسامی خاص و سرآغاز بعضی جملات و بندهای رسائل

می‌باشد. همچنین دو عنوان «دیو‌خس» در حاشیه‌های «51 ب» و «73 ب» به شنجرف و با خطی متفاوت از متن اصلی دیده می‌شود. دو مورد دیگر از همین نام با همان خط، متنها به مرگب مشکلی همراه با نشانه شنجرف در حاشیه‌های برگ «75 آ» نوشته شده که از واژه‌های از قلم افتاده تلقی شده و محل آن‌ها در متن با علامت راده مشخص شده است.

از ویژگی‌های نسخه حاضر، مقابله آن با نسخه‌های دیگر در سال 1007 هجری است که توسط ابن محمود صدرالحسینی اردکانی صورت گرفته که طی آن اختلافات، معنی بعضی لغات و برخی تصحیحات در حاشیه نسخه خاطر نشان شده است. پاره‌ای از آن‌ها با اختلافات نسخه‌بدل‌هایی که در چاپ مصنفات درج شده، مشابه است. یادداشت این مقابله در برگ «37 آ» بدین قرار است:

«در تاریخ اوایل شهر اول الجمادی سنه 1007 سبع و الف هجریه از مقابله این نسخه شریفه کاتب این حروف ابن محمود صدر الحسینی الاردکانی بلغه الله فی العلم اقود به، فراغ یافت و الحمد لله اولاً و آخراً و باطناً و ظاهراً. م.»

هر چند یادداشت این مقابله در حاشیه نخستین انجامه نسخه نوشته شده، اما پاره‌ای از اختلافات و تصحیحات در اوراق دیگر رسائل نیز مشاهده می‌شود. جز آنکه در حاشیه اوراق «41 ب»، «43 ب» و «48 آ» که هر سه مربوط به جزء دوم رساله، متن عربی تفاحه است، مطالبی با خط متفاوت از متن و مقابله به عنوان شاهد مثال در توضیح بعضی واژگان ارائه شده است. عنوان «دیو‌خس» نیز که چهار بار در حاشیه نسخه ذکر شده، ظاهراً با قلم و خط متمایز از مقابله است.

در حاشیه برگ «39 آ» یادداشت تملکی به عبارت «صاحبه محمود ابن...»⁴ احمد الیزدی الهمدانی دیده می‌شود که کهنه و از حدود سده هشتم هجری به نظر می‌رسد.

بسمله آغاز و عنوان رساله‌های فارسی به خط محقق و بسمله و عنوان رساله عربی تفاحه نیز به نسخ جلی خوش‌نویسی شده است. عنوان نخستین رساله، هر دو نام مشهور آن را در کنار هم به صورت «ترجمه زجر نفس و نبوع الحیاة»

نسخه‌ای نویافته
از بابا افضل
کاشانی در یزد

داراست. اشاره به معادل فارسی *ینبوع الحیة* یعنی چشمه زندگی در آغاز رساله از ویژگی‌های این نسخه است که در مقایسه با نسخه‌های نور عثمانیه و نسخه کهن مهدی بیانی تازگی دارد. این نکته با توجه به گرایش بابا افضل به نثر فارسی سره، می‌تواند بیانگر آن باشد که شاید گزینش این معادل فارسی برای عنوان *ینبوع الحیة* نزد او و شاگردانش سابقه‌ای داشته است. بابا افضل عبارت چشمه زندگی را در متن *ینبوع الحیة* نیز به کار گرفته است، چنان‌که در برگ «22 آ» نسخه حاضر دیده می‌شود.

نکته‌ای که در اینجا لازم است ذکر شود، تفاوت کاتب رساله دوم نسخه یعنی متن عربی رساله *تفاحه* نسبت به دو رساله دیگر است، زیرا رسم‌الخط و کاغذ آن با دو جزء مقدم و مؤخر نسخه تفاوت دارد. تفاوت در شیوه نگارش عنوان آن در برگ «39 آ» و نیز بسمله در برگ «39 ب» در مقایسه با عنوان و بسمله *ینبوع الحیة* و ترجمه فارسی *تفاحه* نیز بیانگر این مسئله است. همچنین اختلاف در تعداد سطور هر صفحه آن با تعداد سطور دو رساله دیگر نیز از همین جا ناشی شده است.

هر چند رساله عربی *تفاحه* فاقد نام کاتب و تاریخ کتابت است، با توجه به رسم‌الخط آن به نظر می‌رسد از حدود سده ششم یا هفتم هجری باشد. جلد کهنه نسخه که به احتمال جلد اصلی آن است، نشان می‌دهد که ظاهراً رساله عربی مزبور در سده هفتم همراه با دو رساله فارسی، صحافی و جلد شده است.

از دیگر ویژگی‌های رساله عربی مزبور، مشکل شدن حرف «ل» در واژه «قال» در میان اوراق «53 ب- 51 آ» جهت تشخیص آغاز هر یک از بندهای رساله به شنجرف است.

تفاوت در ضبط اسامی خاص در متن عربی *تفاحه* نسبت به ترجمه فارسی آن نیز از دیگر نکات قابل توجه در این نسخه است، چنان‌که در مورد اسامی چون «لیناس» (66 آ) و «شیماس» (71 ب) چنین است که در متن عربی به ترتیب به صورت «کیناس» (47 آ) و «سیماس» (50 آ) به دفعات از جمله در برگ‌های

نامبرده به کار رفته است. نام دوم بنا بر توضیح مجتبی مینوی و یحیی مهدوی، در هر دو نسخه مورد استفاده ایشان در تصحیح رساله تفاحه، از جمله نسخه نور عثمانیه نیز غالباً به صورت «شیماس» با شین معجمه بوده است، لیکن بر حسب متابعت از اصل عربی و نیز شکل یونانی آن «سیمپاس» در تصحیح خود آن را به سین مهمله تغییر داده‌اند. (مصنّفات، ص 113)

از دیگر اختلافات درخور توجه در ضبط اسامی میان رسائل عربی و فارسی تفاحه در این نسخه، مربوط به اسامی کتب چهارگانه منطق ارسطو در اوراق «53 ب» و «76 ب» می‌باشد. در میان این اسامی، سهوهایی نیز راه یافته است که شکل درست آن‌ها را می‌توان در متونی چون کتاب الفهرست (ص 308-309) ابن ندیم دید.

در نسخه یزد، در مجموع چهار مهر دیده می‌شود. در برگ «1 آ» نقش دو مهر موجود است: نخست مهر چهارگوشی که در سمت چپ بالای برگ مزبور با عبارت «فوض امری الی الله عبده اسماعیل» قرار دارد و به نظر می‌رسد دارای تاریخ 1216 باشد؛ دیگری، مهری بیضی‌شکل در سمت راست پایین این برگ است که دارای عبارت «الراجی فتح‌الله» است که در پایان نسخه نیز در برگ «77 ب» تکرار شده است. مهر چهارگوش کوچکی نیز در برگ «1 ب» در حاشیه بسمله ملاحظه می‌شود که حاوی عبارت «عبده احمد» و ظاهراً با تاریخ 1062 است.

ج. کاتب و تاریخ کتابت نسخه

صرف نظر از رساله میانی نسخه که فاقد نام کاتب و تاریخ کتابت است و از کاتبی دیگر است، دو رساله فارسی نسخه، کتابت محمد ابن یوسف ابن علی نوش آبادی است که در سنه 676 هجری به کتابت آن‌ها مبادرت کرده است. انجامه رساله نخست، فاقد تاریخ و در پایان نسخه فاقد شهرت نوش آبادی است، اما با قید تاریخ دقیق است. نخستین انجامه که در برگ «37 آ» مندرج است، به عبارت ذیل است:

نسخه‌ای نویافته
از بابا افضل
کاشانی در یزد

«تمام شد سیزده فصل *ینبوع الحیاة* از گفتار ادريس النبى عليه الصلاة و السلام بر دست بنده ضعيف محمد ابن يوسف ابن على نوش آبادى غفر الله له و لوالديه و بجمع المؤمنین و المؤمنات بفضلک و رحمتک یا ارحم الراحمین و یا خیر الناصرين المثلث بالنعمة و الفضيلة و الحمد لله و الصلاة على محمد سيد الانبياء و آله اجمعين المثلث بالفضائل يعنى انه يعرف الاشياء و يعرف به الاشياء و يعرف انه يعرفها.»

دومین انجامة نسخه نیز بدین قرار است:

«تمام شد رساله تفاحه بر دست بنده ضعيف محمد ابن يوسف ابن على غفر الله له و لوالديه و بجمع المؤمنین و المؤمنات بحق النبى محمد و آله الطاهرين اجمعين و حسبنا الله و نعم المعين نعم المولى و نعم النصير فى يوم الاربعاء الرابع عشر من ربيع الاخر سنة ست و سبعين و ستمائة هجرية نبوية.»

بدین سان، نسخه مزبور در روز چهارشنبه چهاردهم ماه ربیع الثانی سال 676 هجری به پایان استنساخ خود رسیده است. تفاوت در رسم الخط انجامة اخیر نسبت به متن، تردیدی در اصالت آنها ایجاد نمی کند، زیرا می دانیم که بسیاری از کتاب- بر حسب سنت رایج در میان ایشان- انجامة نسخهها را با خطی متمایز از متن و به شیوه ای تعلیق گونه کتابت می کرده اند، اما شباهت رسم الخط نخستین انجامة با متن به روشنی عیان است.

از نکات قابل توجه در میان مکاتیب افضل الدین کاشانی، نامه ای است که وی در پرسش و تعزیت خطاب به تاج الدین محمد نوش آبادی نوشته است. (مصنفات، ص 706-709) هرچند با توجه به بعد زمانی، تاریخ استنساخ این نسخه با تاریخ حیات بابا افضل که دست کم حدود هفتاد سال را در بر می گیرد، امکان انطباق کاتب نسخه با مخاطب نامه مزبور منتفی است، اما شهرت مشترک این دو، احتمال وجود پیوند نسبی یا دست کم ارتباط از حیث خاستگاه جغرافیایی واحد را میان آنها به ذهن متبادر می سازد.

د. حواشی نسخه

گذشته از مهرها، یادداشت مقابله و مصادیق آن در حاشیه و یادداشت تملک، نسخه حاضر شامل حواشی و افزوده‌های دیگری است که در اینجا ذکر می‌شود. حواشی و افزوده‌های مزبور را می‌توان به دو دسته اشعار و فواید متفرقه تقسیم کرد.

1. اشعار

در برگ نخست چند قطعه شعر به یک دستخط ملاحظه می‌شود. خط نستعلیق این قطعات از حدود سده دهم و یازدهم هجری است. با توجه به شباهت خط موارد اختلافی حاشیه نسخه و یادداشت مقابله با اشعار و مندرجات پراکنده این برگ، می‌توان حدس زد که کاتب آن‌ها همان مقابله کننده نسخه، ابن محمود صدر الحسینی اردکانی در سال 1007 باشد. نخست قطعه شعری از شاعری مجهول ذیل عنوان «لواحد من الشعرا» در بالای برگ مزبور دیده می‌شود که بدین قرار است:

در حدود ری یکی دیوانه بود	سال و مه کردی به کوه و دشت گشت
در تموز و در شتا سالی دوبار	آمدی در طوف شهر از سوی دشت
گفت ای آنان کتان آماده بود	زیر آن نه طارم زرینه طشت
قاقم و سنجاب در سرما دو سه	روسی و کتان به گرما هفت و هشت
گر شما را بود خود اینها چه شد	چون که ما را نیست بی‌برگی چه گشت
راحت هستی و رنج نیستی	بر شما بگذشت و بر ما هم گذشت

در حاشیه قطعه شعر مزبور ظاهراً عدد 2005 به چشم می‌خورد. این عدد شاید شماره کتاب بوده است. این شماره می‌تواند 205 (5 + 200) نیز بوده باشد که بر حسب سنت قدما بدین گونه نوشته می‌شده است.

نسخه‌ای نویافته
از بابا افضل
کاشانی در یزد

سه رباعی نیز از رباعیات شرف‌الدین علی بافقی از شعرای سده دهم هجری در برگ نخست نسخه، ذیل عنوان «شرفا علیا بافقیاً فرمایند» ذکر شده است. وی از شعرای ملازم شاه طهماسب بوده و گویند «روزی شاه مذکور سخنی به او

گفت که وی از گرانی گوش آن را نشنید و وقتی ملتفت موضوع گردید،
فی البداهه شعر زیر را در اعتذار سرود:

«از گرانی صدف نشد گوشم قول شه را که بود درّ ثمین
جای آن بود کز گرانی گوش پای تا سر فرو روم به زمین»
(جامع مفیدی، 275/3)

به هر حال، رباعیات او که در این نسخه نقش بسته به قرار زیر است:

نفست به کمال دانش آراسته به افزونی تن مجو که تن کاسته به
تن چیست تو را به طرف دامن گردی این گرد ز دامن تو برخاسته به
وله:

ای آینه حسن تو بی صورت و زیب گرداب هزار کشتی صبر و شکیب
آینه حسن هر که غیر تو بود خواند خردش سراب صحرای فریب
وله:

چون یاد کنم جفای دوران فراق گویم من آسوده ز هجران فراق
ای کاش که پا کشم به دامن عدم تا بر نکنم سر از گریبان فراق
در مقابل رباعیات مزبور، قطعه شعر دیگری نیز به چشم می خورد که سراینده
آن نوشته نشده و بدین ترتیب است:

هر که خورشید خواند روی تو را مثلی بس به وجه درخور زد
و آن که دینار را به چهره من کرد تشبیه سگه بر زر زد
لبت آب حیات می گفتم خضر بشنید و حلقه بر در زد
در برگ «38 ب» نیز، غزل خمیره مشهور منسوب به ابن سینا مسطور است
که کهنه تر از اشعار فوق و از حدود سده هشتم هجری به نظر می رسد. ظاهراً از
آنجا که کاتب غزل مزبور، آن را ذیل عنوان «محسوب الی الشیخ الرئیس» آورده
از منسوب بودن آن آگاه بوده است:

غذای روح بود باده رقیق الحـق که رنگ او کند از دور رنگ گل رادق
به رنگ زنگ زداید ز جان اندهگین همای گردد اگر جرعه ای بنوشد بق

به طعم تلخ چو پند پدر ولیک مفید
 حلال گشته به احکام عقل بر عاقل
 شراب را چه گنه زآنک احمقی بخورد
 می از جهالت جهال شد به شرع حرام
 چو بوعلی می ناب ار خوری حکیمانه
 غلام آن می نابم که از رخ خوبان
 آخرین قطعه شعر موجود در این نسخه، غزلی از حیرانی ذیل عنوان «حیرانی فرماید» است که در سنه 992 هجری کتابت شده است. هویت این شاعر بر ما معلوم نشد، اما سام میرزا صفوی در تحفه سامی در میان شعرای سده‌های نهم و دهم هجری از چندین شاعر با تخلص حیرانی یاد می‌کند. از جمله مولانا مجد حیرانی که قصایدش در منقبت امیرالمؤمنین علی ابن ابی‌طالب (ع) مشهور بوده و دیوان غزل نیز داشته است. (تحفه سامی، ص 238) این غزل در برگ «39 آ» بدین قرار می‌باشد:

ای بهر قصد حلق، ز مژگان کشیده صف
 مه را ز آفتاب جمالت هزار نور
 اسباب قتل عاشق بیچاره بس بود
 حیرانی ار تو را هوس در و گوهر است
 خوبان به دور چشم تو در معرض تلف
 خورشید را ز سایه بام تو صد شرف
 آن چشم مست و روی نکو زلف بر طرف
 رو گوهر از مدینه طلب کن در از نجف
 در پایین این برگ که در اثر موش خوردگی قسمتی از آن از بین رفته، تاریخ کتابت غزل فوق یعنی «در تاریخ اواخر شهر محرم الحرام سنه 992» نوشته شده و اجزای دیگر آن، که ظاهراً حاوی نام کاتب و محل کتابت غزل بوده، ناقص مانده و تنها اجزائی چون «درگاه عالم شاه»، «اردکان نبشته بود» و «الداعی علاءالدوله... الموسوی» را می‌توان در آن خواند.

2. فوائد متفرقه

علاوه بر اشعاری که در نسخه حاضر نقش بسته، مطالب پراکنده‌ای نیز به نثر، ذکر شده که در اینجا به آن‌ها پرداخته می‌شود.

از جمله نکاتی که در برگ نخست جلب توجه می‌کند، یادداشت کوتاهی به همان خط اشعار آن برگ است که در ذیل عنوان نسخه در توضیح مترجم کتاب، بابا افضل است و طی آن نوشته شده: «مترجم کتاب *ینبوع الحیة* امام عالم فاضل افضل الدین کاشانی است رحمه الله.»

یادداشت مذکور، بیانگر نهایت عقیده و ارادتی است که دوستداران حکمت و عرفان برای شخصیت فکری و معنوی بابا افضل قائل بوده‌اند تا بدان‌جا که از او تحت عنوان امام عالم فاضل یاد شده است.

در پایین همین برگ و باز به همان خط، ذیل عنوان فائده، شرحی کوتاه درباره ریشه و مفهوم حروف ابجد در حساب جمّل آمده و نویسنده‌اش در پایان آن ظاهراً خود را 12 نامیده است:

«ابجد، هوز، حطی، کلمن، سعفص، قرشت، ثخذ، ضظغ. بعضی از علما بر آن‌اند که اسماء الهی‌اند و نزد گروهی اسماء ملائکه‌اند و گفته‌اند اسماء ابواب جته‌اند و جمعی می‌گویند نام‌های ارباب غیب‌اند و طایفه‌ای بر آن‌اند که نام هشت پادشاه‌اند از جن 12.»

درج مطلب مزبور با توجه به ملحقه‌ای که مجتبی مینوی و یحیی مهدوی در رساله *جاودان‌نامه* از نسخه شماره 428 کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، مورخ 1083 قمری و چاپ حاج سید نصرالله تقوی، منتشره در سال 1312 شمسی ذکر کرده‌اند (مصنّفات، ص 323-326) شایان نگرش است، زیرا در آن فصل، تحت عنوان «اندر آنکه کتاب مردم چون دلیل بود بر مدلول کتاب خدای تعالی» بر حسب باورهای رایج میان بسیاری طرق تصوّف و مکاتب حکمی و کلامی در اسلام در پیوند و موازنه میان کتاب طبیعت با کتاب وحی و تبیین آن از طریق ارزش عددی حروف ابجد یا به قول بابا افضل علم شمار سخن رفته است. اما نسخه یزد اضافه بر حواشی و افزوده‌های متأخر، حاوی سه مطلب کهنه نیز از حدود سده هشتم هجری در پایان متن *ینبوع الحیة* است:

نخست «نود و نه نام پیغامبر علیه الصلوة و السلام» است که در برگ «37 ب»

جای دارد؛ دیگر، دو طلسم است که یکی در صفحه انجامة ينبوع الحیاة، برگ «37 آ» قرار دارد. نقش مهری حاوی طلسم در پایین صفحه به چشم می‌خورد و در بالای آن عبارت «طلسم مهر اکبر سخت فاضل» نگاشته شده است. در برگ «38 آ» نیز نقش طلسم دیگری که بزرگ‌تر از مورد سابق و بدون جدول است، دیده می‌شود که بر سر آن عنوان «صفت مهر بزرگ» درج گردیده است؛ سپس در طی صفحه مزبور و آغاز صفحه بعد مطالبی به خط نسخ تحریری کهن در خواص و فواید آن طلسم و مهر آن نوشته شده که به عبارت ذیل است با توضیح به اینکه ما رسم الخط امروزی را در آن لحاظ کردیم:

«هر که این مهر بر موم نهد و آن موم به روغن دنبه⁵ افکند، چون آفتاب فرو شود، به زیر آسمان نهد و پیش از آنکه آفتاب برآید [در] جانبی⁶ محکم کند و چون پیش پادشاه رود یا خصمی قوی، قدری از آن در خود مالده، خدای عز و جل او را در دل پادشاه عزیز گرداند و شرّ آن دشمن از او دور گرداند. اگر میان هزار دشمن شود، خدای عز و جل وی را نصرت دهد و باید که این خاتم عزیز بزرگ دارد و بوی خوش با وی دارد و به هر نیت که نگاه دارد، مقصود وی برآید زنهار که به حلال کند و از حرام بپرهیزد، و اگر این مهر بر موم صافی نهد، به نام آن کس و مادرش و هر ماهی سه نوبت در آب افکند، آن کس از دوستی وی بی‌قرار شود و مطیع گردد، به فرمان خدای عز و جل و اگر دشمن دارد، دو مهر به نیت هلاک او در خانه او یا در رهگذار او در زیر خاک پنهان کند، آن کس هلاک شود به فرمان خدای عز و جل، و اگر قرضی دارد، گذارده شود و توانگر گردد. و هر که این مهر به حاجتی زیر خاک مسجدی کند و در آن مسجد (38 آ) دو رکعت نماز کند و بگوید یا رب به حق این نام بزرگ که این بنده را بر دل خلق و چهار کیش بنی آدم و بر سیاره⁷ تو خداوند، عزیز گردان و مراد من حاصل کن و چم و دست جادوان بر وی چار نکند و همه حاجتی روا شود. بفضلک و کرمک یا ذالمنّ و الفضل برحمتک یا ارحم الراحمین و طلسم آن است که در اول نبشته شد.»

متن فوق، گرچه از افزوده‌های نسخه است، بر حسب آنکه حد فاصل میان رساله نخست و رساله دوم است، در پایان شماره‌گذاری رساله *ینبوع الحیة*، شماره برگ 38 در آن منظور شده است. رساله‌های سه‌گانه نسخه به طور جداگانه شماره‌گذاری شده‌اند. شماره‌گذاری برگ‌های این نسخه آن‌چنان که اغلب رایج بوده، بر صفحه دست چپ نگاشته شده است. شماره‌های مزبور کهنه است و بعید نیست که از آن شخص کاتب باشد. شماره اجزا یا کراسه‌شمار نسخه نیز ظاهراً به همان خط تنها در صفحه دست چپ جزء اول نسخه (*ینبوع الحیة*) به فاصله هر هشت برگ (هر شانزده صفحه) دیده می‌شود.



پی‌نوشت‌ها:

1. این نسخه چند سال پیش به همراه نسخی دیگر از جمله شرح سید جلال‌الدین ابن شرف‌شاه بر *فصوص الحکم* محیی‌الدین عربی از شخصی عتیقه‌فروش در یزد خریداری شد که صرف‌نظر از نسخه حاضر، بعضاً یادداشت وقف مدرسه شاهزاده محمد ولی میرزا فرزند فتحعلی‌شاه و حاکم یزد در نیمه اول سده سیزدهم هجری و آثاری از تملک خاندان صدر و شخص صدرالعلما از بزرگان یزد در دوره قاجار بر آن‌ها دیده می‌شود. برخی مهرهای این نسخه، بر بعضی کتب اهدایی آقا حسین صدر، فرزند صدرالعلما بر کتابخانه وزیر یزد که گاه آن‌ها نیز حاوی یادداشت وقف مدرسه شاهزاده محمد ولی میرزا هستند، دیده می‌شود. مدرسه شاهزاده در روزگار رضاشاه پهلوی به بیمارستان تبدیل شد. آگاهی از نسخ اهدایی آقا حسین صدر در کتابخانه وزیری به لطف آقای حسین مسرت، کارشناس آن کتابخانه میسر گردید.
2. جالب است که نسخه یزد نیز که تنها دو سال با نسخه نور عثمانیه فاصله دارد، همچون نسخه مهدی بیانی در ترجمه *ینبوع الحیة* تفاوت قابل توجهی دارد. با در نظر داشتن اختلافات نسخه حاضر با اختلافات نسخه مهدی بیانی که در چاپ *مصنغات* درج شده، می‌توان گفت که در اینجا نیز ظاهراً با تحریر دیگری از ترجمه *ینبوع الحیة* مواجهیم. این مسئله، احتمالاً از دخل و تصرف کاتبانی که با ذوق ادبی و سبک نگارش بابا افضل مأنوس بوده‌اند، ناشی شده است. نزدیک بودن کاتبان نسخه نور عثمانیه و نسخه حاضر با روزگار حیات بابا افضل و کاشانی

فصلنامه
کاشان‌شناخت
شماره هفتم و هشتم
پاییز و زمستان 88

بودن آن‌ها که تأثیرپذیری از محیط فرهنگی و اجتماعی مشترک را امکان‌پذیر می‌ساخته، مؤید این مسئله توانند بود.

3. آگاهی از این مطلب را مدیون لطف آقای نادر مطلبی کاشانی هستیم.

4. یک کلمه در اثر برش کاغذ از بین رفته است، اما از آنجا که تنها دو حرف «ف» و «ص» آن باقی مانده، شاید اسم یا لقبی مانند فضل‌الله یا فصیح‌الدین بوده است.

5. اصل: دنب.

6. اصل: جانی که.

7. اصل: سیار.

منابع

- *آتشکده آذر*؛ لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، نیمه دوم، تصحیح میر هاشم محدث، انتشارات امیرکبیر، تهران، 1378.

- *تاریخ طبرستان*؛ ابن اسفندیار، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، چ 2، انتشارات پدیده «خاور»، تهران، 1366.

- *تاریخ کاشان*؛ عبدالرحیم کلانتر ضرابی (سهیل کاشانی)، به کوشش ایرج افشار، چ 4، انتشارات امیر کبیر، تهران، 1378.

- *تحفه سامی*؛ سام میرزا صفوی، تصحیح رکن‌الدین همایون‌فرخ انتشارات علمی، تهران، بی‌تا.
- *جامع مفیدی*؛ محمد مفید مستوفی بافقی، تصحیح ایرج افشار، انتشارات اساطیر، تهران، 1385.

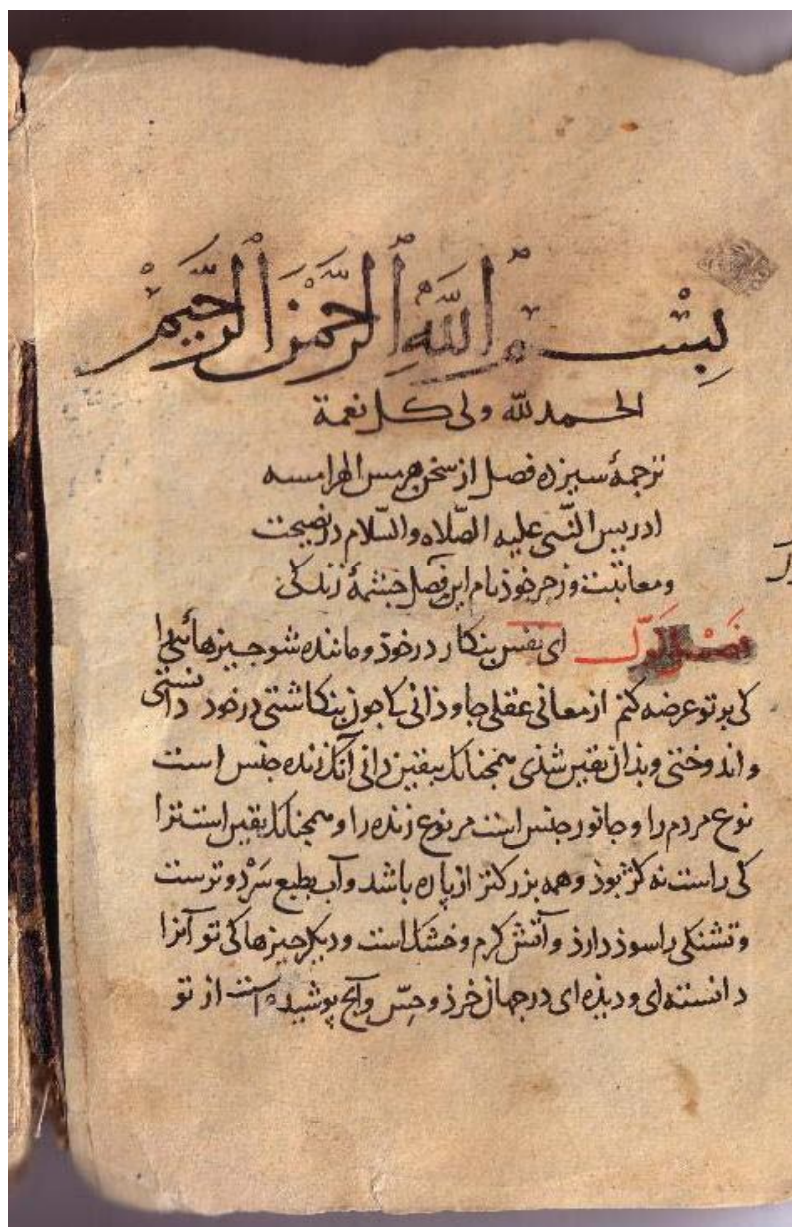
- *دانشنامه جهان اسلام*؛ زیر نظر کاظم بجنوردی، مقاله «بابا افضل» عباس زریاب خوبی، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، تهران، 1375.

- *دیوان*؛ سید امام ضیاءالدین راوندی، تصحیح سید جلال‌الدین محدث ارموی، مطبعة مجلس، تهران، 1334.

- *رباعیات بابا افضل کاشانی*؛ افضل‌الدین کاشانی، به کوشش سعید نفیسی، از نشریات کتابخانه دانشکده، تهران، 1311.

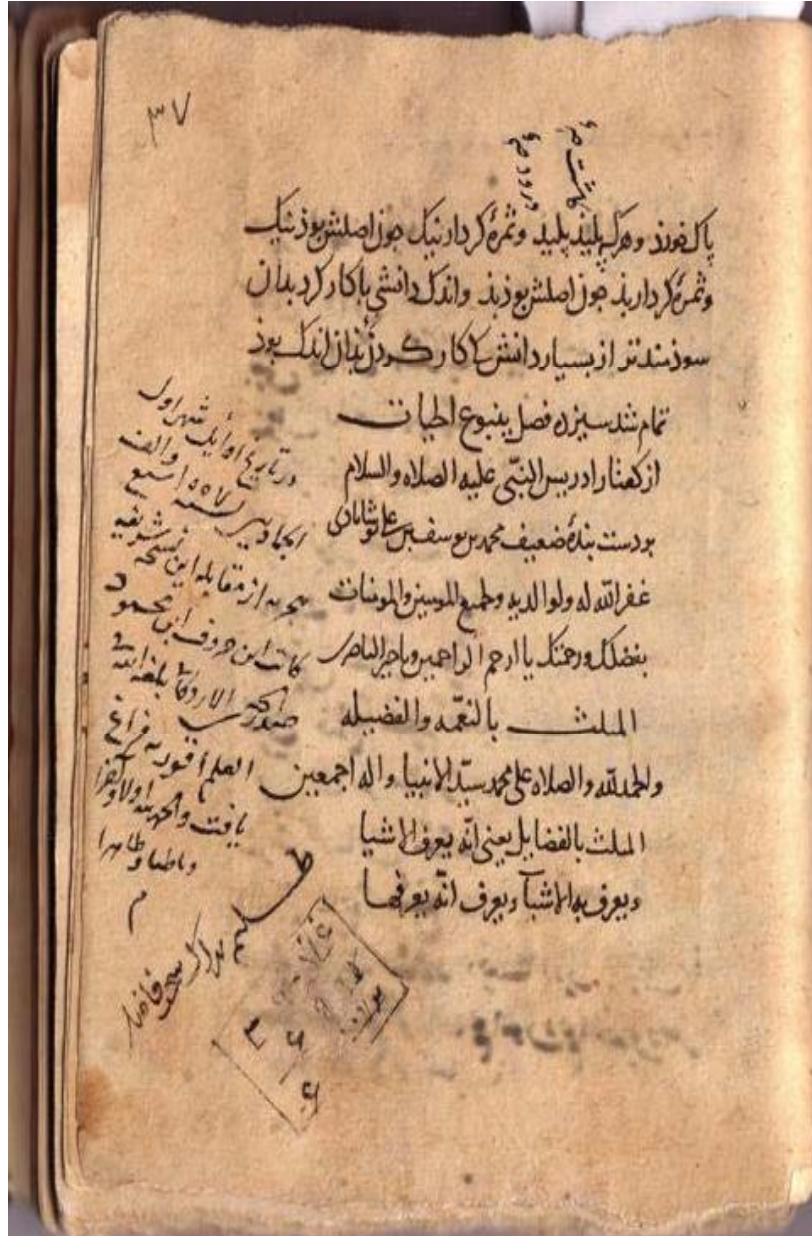
- رساله فی اعتقاد الحكماء؛ شهاب‌الدین یحیی سهروردی، با مقدمه و ترجمه محمد کریمی زنجانی اصل، انتشارات اساطیر، تهران، 1383.
- سفال زرین فام ایرانی؛ آلیور واتسون، ترجمه شکوه ذاکری انتشارات سروش، تهران، 1382.
- «سفالینه‌های زرین فام و نقاشی شده زیر لعاب»؛ عبدالله فوجانی، مجله باستانشناسی و تاریخ، مرکز نشر دانشگاهی، سال اول، شماره دوم، تهران 1366.
- عقل سرخ؛ شیخ شهاب‌الدین سهروردی، ج 6، انتشارات موسی، تهران، 1383.
- فهرست نسخه‌های خطی مجلس شورای ملی؛ احمد منزوی، انتشارات کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران، 1345.
- الفهرست؛ محمد ابن اسحق الندیم، تحقیق رضا تجدد، انتشارات اساطیر، تهران، 1381.
- کتاب النقص؛ عبدالجلیل قزوینی رازی، تصحیح سید جلال‌الدین محدث ارموی، چاپخانه سپهر، تهران، 1331.
- «مجموعه رسائل فلسفی»؛ محمدتقی دانش‌پژوه، مجله فرهنگ ایران زمین، ج 14، تهران، 1345-1346.
- «مختصر فی ذکر الحكماء اليونانین و الملیین»؛ به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، مجله فرهنگ ایران زمین، ج 2، بنیاد نوشیروانی، تهران، 1354.
- مصنفات؛ افضل‌الدین کاشانی، تصحیح مجتبی مینوی و یحیی مهدوی، ج 2، انتشارات خوارزمی، تهران، 1366.
- المعجم فی معاییر اشعار العجم؛ شمس‌الدین محمد ابن قیس رازی، به کوشش سیروس شمیسا، انتشارات فردوس، تهران، 1373.
- نسائم الاسحار من لطائف الاخبار؛ ناصرالدین منشی کرمانی، تصحیح میر جلال‌الدین محدث ارموی، انتشارات اطلاعات، تهران، 1364.

- www.brooklynmuseum.org



تصویر صفحه آغاز رساله ینبوع الحیاة

نسخه‌ای نویافته
از بابا افضل
کاشانی در یزد



۳۱۶

پاک فوئذ و هر که پلید پلید و شمره کردار نیک چون اصلش بود نیک
 و شمره کردار بد چون اصلش بود بد و اندک دانشی با کار کرد بدان
 سوزند تر از بسیار دانشش کار کرد در میان زندگ بود

تمام شد سیزده فصل ینبوع الحیات

در تاریخ او ایک شهر اول
 راه اشع
 ایجا دیر

از کهنار ادریس النبی علیه الصلاة والسلام

بود دست بند ضعیف محمد بن موسی بن عثمانی

غفر الله له و لو الذیبه و طبع للموسین و المونات

بنفلكه و رختك یا ارحم الراحمین و امیر الناس

المملکت بالنعمه و الفضيله

و الحمد لله و الصلاة علی محمد سید الانبیاء و الله اجمعین

المملکت بالفضایل یعنی الله یعرف الاشیا

و یعرف بها الاشیا و یعرف الله یعرفها

مجموعه از مقابله این حکم
 کتابت این حرفت بن محمود
 صمدی الازدها بلخه
 العلم اتموره
 یافت و اجمعه اول
 و اطفا و طهر
 م

مجله
 شماره
 ۲۴
 ۹

صفحة پایان ینبوع الحیة

فصلنامه
 کاشان شناخت
 شماره هفتم و هشتم
 پاییز و زمستان 88

316



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

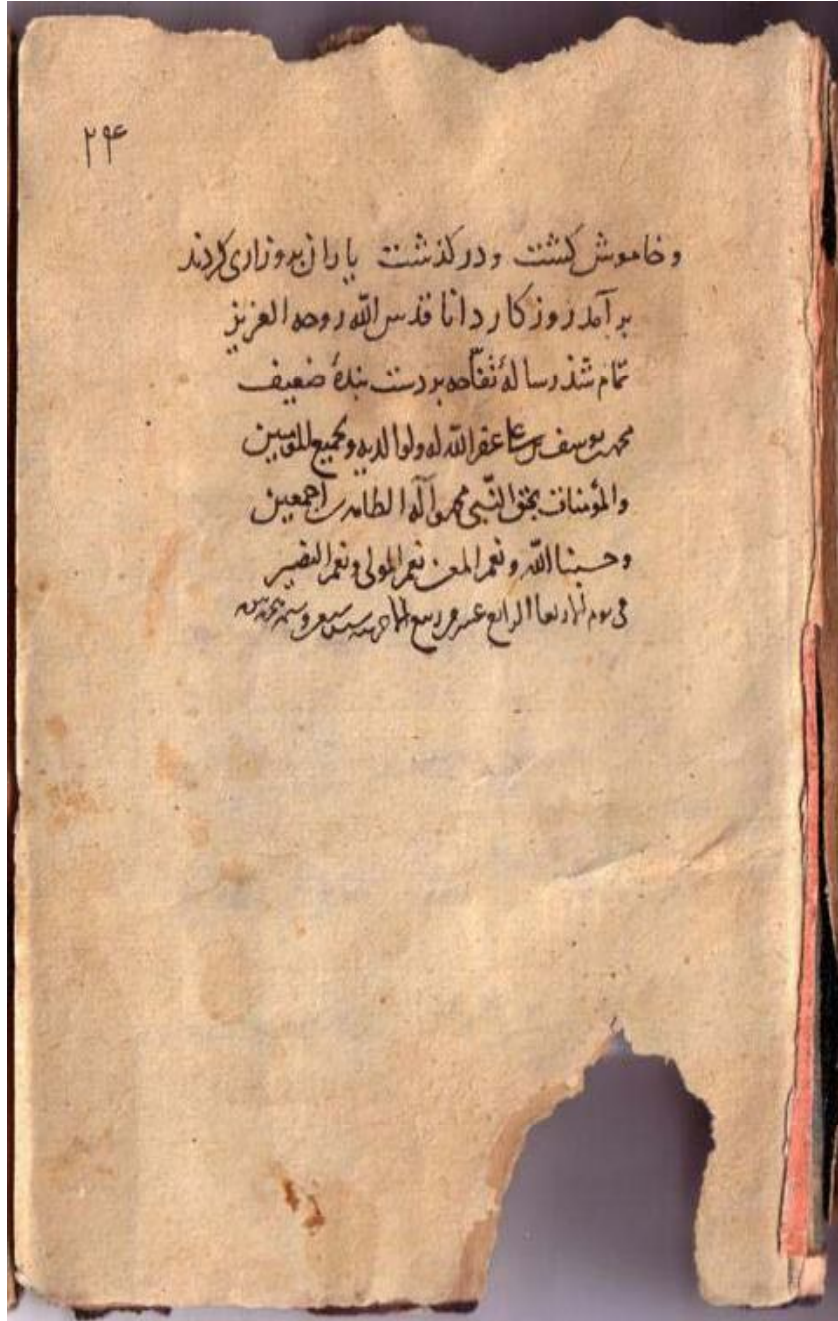
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد المرسلين محمد وآله
این ترجمه مقاله ایست از ان اسطاطا لیسر حکیم قدس الله روحه
کی بوقت وفات ملاکره است جنین که شد با جوار اسطاطا لیسر
عمر بیابان کشید از شاگردان وی چندی بروی حاضر بودند و چون
نزدای تر و ناتوانی وی بدیدند و نشانه های مرگ اروی بدیدند
از حیاستش نویذ گشتند مگر ایل در وی می دیدند از سرور و نشاط
و درستی عقل و دل لیلی کرد بر ایل او از خود حال می باید بخلاف
ایل دیگران اروی می دیدند پس شاگردی بوی گفت کی ما را بجزع
بر نویذ از ان است که ترا بر خود و از گذشته تو غمناک نویذ
کی تو از گذشته خود الا از ان است که تو از خود خبری می بایی بیرون
اراجع او نویذ ما بیم ما و این از ان گاهی در اسطاطا لیسر گفت ایچ

ظ
چیزی

نسخه‌ای نویافته
از بابا افضل
کاشانی در یزد

صفحة آغاز رسالة تفاحه





۲۹۶

و خاموش گشت و در گذشت یاران به وزاری کردند
بر آمد روز کار دانا قدس الله روحه العزيز
تمام شد رساله تفاحه بر دست بنده ضعیف
محمد یوسف بن عطاء الله له ولوالديه وجميع المؤمنين
والمؤمنات بحق النبي محمد وآله الطاهرات اجمعين
وحسبنا الله ونعم المعين نعم المولى ونعم النصير
فی يوم الاربعاء الرابع عشر من المحرم سنة ۱۲۸۷

صفحة پایان رساله تفاحه

فصلنامه
کاشان شناخت
شماره هفتم و هشتم
پاییز و زمستان ۸۸

318